



شیعه انگلیسی

ملیحه عقابیان^۱

سیده فاطمه طباطبائی*^۲

چکیده:

شکل‌گیری تفکر جهان تک‌حکومتی در ذهن استعمارگران سبب شده تا ملت‌ها را تحت کنترل خود دریاورند و در این راستا در منطقه خاورمیانه به جهت اهمیت ژئوپلیتیک آن با برپایی جنگ نرم و فیزیکی، قوای مسلمانان را تحلیل نمایند. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین اهداف دشمن در جنگ نرم، جهت‌بیداری و حفظ وحدت امت اسلامی، پرداخته شده است. نتایج، گویای این است که اهداف قدرت نرم استعمار می‌تواند در ایجاد تفرقه، خودباختگی در مواجهه با زندگی پیشرفته اروپائیان، دین‌گریزی با اشاعه اندیشه ناسیونالیسم و ایجاد ذهنیت بدبینی نسبت به الگوهای دینی، اشاعه رسومات مذهبی غیر مشروع و نامتعارف در میان مسلمانان، خلط تشیع با خرافات و مادی‌گرایی و اقامه جنبش‌های اختلاف برانگیز، خلاصه شود که می‌توان از این جنبش‌ها در تشیع، به شیعه انگلیسی یاد کرد؛ زیرا بر امور اختلاف برانگیز و موهنی همچون قمه زنی، لطم در عزاداری امام حسین (ع)، سب به خلفا و برائت جستن شیعه و سنی از یکدیگر، برپایی جشن عید الزهراء، دهه محسنیه و غیر آن، تأکید دارند در صورتی که به تصریح آیات قرآن، هر کسی که اصول اعتقادی توحید، نبوت و معاد را بپذیرد در جمع امت واحد اسلامی قرار گرفته و موظف به رعایت رحمت و وحدت است و علاوه بر برر سی آیات، با برر سی سندی و متنی، بطلان روایاتی که جواز امور مذکور استنباط شده و همچنین بدعت قمه زنی که متولد ۳-۴ سده اخیر است

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

۲. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار دانشگاه شهید باهنر. (نویسنده مسئول)

به اثبات رسیده است پیشنهاد می شود که در راستای تنویر اذهان عموم به رصد، واکاوی و تبیین مصادیق رفتاری نوظهور شیعه انگلیسی پرداخته شود و با تمسک به قدرت نرم و اصول اعتقادی و رفتاری ناب شیعه به مقابله با این پدیده نوظهور اقدام شود.

کلید واژه‌ها: اهداف استعمار، قدرت نرم، شیعه انگلیسی، قمه زنی، لطم

مقدمه

دکتر جان کلمن، یکی از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا، مؤلف کتاب «کمیته ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی» می گوید: «حکومت پنهان جهانی از ده‌ها سال پیش، با راهبری مستقیم دربار انگلیس و شخص پادشاه، بنیان یافته، آهسته ولی پیوسته، در صحنه بسیاری از رخداد‌های ملی و بین‌المللی حضور فعال داشته است (کولمن، ۱۳۷۵، ص یک). وی می گوید: «اهداف کمیته مذکور، عبارت‌اند از: ایجاد یک سازمان کلیسایی، به منظور تعیین نیاز بشریت به باورهای دینی، حرکت دادن اعتقادات مردم در راستای معین، تخریب نهایی هویت و عرق ملی در همه کشورها، تخریب دین، تسلط بر آحاد افکار از راه به‌کارگیری وسایل کنترل ذهن، قانونی کردن مواد مخدر و تصاویر و فیلم‌های جنسی، سانسور، نابود کردن تمام برنامه‌های آفرینش‌های علمی از جمله نابودسازی نیروی هسته‌ای برای مقاصد صلح جویانه، مرگ ۳ میلیارد انسان، تا سال ۲۰۰۰ از راه ایجاد جنگ‌های محدود موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، تضعیف بافت اخلاقی ملت، از راه افزودن بر انبوه بیکاران و بروز روحیه ناامیدی در زندگی و پناه جستن به الکل و مواد مخدر و ترغیب جوانان کشور، از طریق گرایش به موزیک راک و مواد مخدر، برای عصیان علیه سنت‌های موجود که در نهایت به از هم پاشیدن اساس خانواده منجر گردد، بازداشته شدن مردم همه نقاط جهان از به دست گرفتن سرنوشت خویش، با به راه انداختن بحران‌های پشت سر هم و راهبری آنها و بروز بی‌تفاوتی فاحش در میان مردم که در نهایت به سردرگمی و بی‌اعتنایی مردم به اخلاقیات منجر گردد، به وجود آوردن و معرفی فرقه‌های تازه و فعال کردن فرقه‌هایی که در حال حاضر موجودند. ادامه استقرار فرقه‌های بنیادگرای مسیحیت و مورد سوء استفاده قرار گرفتن این گروه در تقویت کشور صهیونیستی اسرائیل، اهتمام در گسترش فرقه‌های دینی، صدور اندیشه‌های «آزادی دینی» به اطراف جهان به منظور بی‌اعتبار کردن ادیان موجود، کشاندن نظام‌های اقتصادی جهان به سوی فروپاشی کامل و سوق دادن کشورها به جانب بحران‌های سیاسی، نفوذ و سلطه بر دولت‌ها و تخریب اعتبار حاکمیت آنان از درون و بی‌اعتبار ساختن هر چه بیشتر مللی که آنها سمت نمایندگی‌شان را عهده دار می‌باشند، سازماندهی یک ماشین ترور بین‌المللی و سازش با تروریست‌ها، هرگاه که کوششی از جانب آنان به ظهور رسد» (کولمن، ۱۳۷۵، صص ۲۴-۲۹) متأسفانه در پی برنامه‌ریزی‌های انگلیس در جهت رسیدن به اهداف مخربش به شیوه جنگ نرم، ناآگاهی ملت‌ها نسبت به دستورات دینی، انسان‌ها را طعمه دست استعمارگران کرده است. در دوران معاصر با وجود تلاش مراجع دینی، مبنی بر حفظ وحدت اسلامی، اشاعه

اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و به اصطلاح «ناسیونالیسم» به قصد فاصله گرفتن مسلمانان از ارزش‌ها و اصول مبانی فرهنگ اسلامی است، صورت گرفت.

در دهه ۱۹۸۰ م، با ظهور احزاب شیعی «حزب الدعوة»، «سازمان عمل اسلامی»، «مجلس» و جنبش «الجیش المهدی» در عراق، «سازمان انقلاب اسلامی»، «جزیره العرب»، و «حزب الله حجاز» در عربستان و فعالیت‌های شیعیان در کشورهای کویت، بحرین، عمان و امارات متحده و همچنین ناآرامی‌های استان‌های شرق عربستان، به رغم تلاش بی وقفه استعمار در حذف ارزش‌های اسلامی و هضم جوامع اسلامی در فرهنگ غرب، موج بیداری جوامع اسلامی آغاز گردید. بدین ترتیب جنگ ایدئولوژی‌ها به وقوع پیوست. وانگهی مواجهه با شیعه که با تبعیت از مراجع تقلید خود، حتی حاکمیت را مجبور به عقب‌نشینی نمود، دشمنان شیعه را به فکر تضعیف رابطه مرجع و امت واداشت (متقی زاده، ۱۳۸۴، صص ۱۹۵-۱۹۸). در برخی از منابع تاریخی، به طور پراکنده، اشاره‌ای به شکست انگلیس در صده اخیر و نتایج استنتاجی انگلیس مبنی بر چگونگی نفوذ مجدد در کشورهای اسلامی شده است. در کتاب جغرافیای سیاسی شیعیان به این موضوع پرداخته شده است و نیز در مقاله «قمه زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری» و «حدود جزع در عزاداری اهل بیت» به دلایل تحریم و بررسی بازخورد آن در جوامع بین‌المللی، پرداخته شده است. با توجه به ضرب‌المثل انگلیسی مشهور که «تفرقه بینداز و پادشاهی کن» بررسی تحلیلی عوامل ایدئولوژیکی که منجر به تفرقه افکنی میان شیعیان و اهل سنت شده، دغدغه فکری محقق است و به نظر می‌رسد که در عصر حاضر، شناخت قدرت نرم دشمن و موانع وحدت بخش میان مسلمانان، ضروری است و در این مجال سعی شده، بر پایه روش توصیفی-تحلیلی، علاوه بر پاسخ به سؤال مذکور، به تبیین اهداف دشمن در جنگ نرم با نگاهی گذرا بر تاریخ استعمار در ایران و شناخت ابزار متمسک دشمن و بررسی ریشه‌های دینی آن پرداخته شود؛ بنابراین در مقاله‌ای مجزا، نیاز است تا دست‌های پنهان انگلیس و استعمارگران در ارائه الگوهای رفتاری جدید در جوامع اسلامی به خصوص در میان شیعیان که از آن می‌توان به شیعه انگلیسی تعبیر نمود، آشکار ساخت. از محدودیت‌های این مقاله می‌توان به قلت منابع قابل استناد اشاره نمود زیرا کسانی که در راستای ترویج و تأکید شیعه انگلیسی قدم برمی‌دارند منابع خود را به طور مکتوب ارائه نمی‌دهند بلکه با اقدام به تبلیغ و از طریق سایت‌های مجازی فعالیت می‌نمایند.

۱. عوامل ایدئولوژیکی منجر به تفرقه افکنی میان شیعه و اهل سنت

آنچه مسلم است درک و برداشت همه افراد از امور متفاوت، یکسان نیست. از آغاز آفرینش انسان، امور مختلف در شئون فهم بشر مداخله داشته است. در امور مربوط به شریعت، گاهی افراد پیروان یک مذهب، با تساهل و تسامح در درک سخنان پیامبرشان، اصول اولیه یک آئین را دستخوش تحریف و تغییر قرار داده‌اند و گاهی افرادی مغرضانه برای شکست دادن آن آئین آسمانی، در قالب افرادی مصلح و دانشمند، به تحریف دستورات و آئین آسمانی مذکور، پرداخته‌اند. همین امر موجب پیدایش اختلاف بین طرفداران

یک آئین، در امور اعتقادی و جزئیات آن مذهب شده است. آئین اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است به نحوی که به هفتاد و چند فرقه تقسیم شده است و از دیرباز بین شیعه و عامه اختلافاتی، در برپائی احکام شریعت وجود دارد.

۱.۱. اصول اعتقادی اهل سنت

در صحیح بخاری حدیثی ذکر شده است، که در آن جبرئیل ایمان و اسلام را تشریح کرده است. ایمان شامل ایمان آوردن به خدا و ملائکه و کتب آسمانی، لقای خدا و پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و ایمان به زندگی بعد از مرگ است. اسلام آوردن شامل وحدانیت پروردگار، اقامه نماز، پرداخت زکات واجب و روزه گرفتن ماه رمضان است (بخاری، ج ۱، ص ۲۴، ح ۵۰).

۲.۱. اصول اعتقادی شیعه

اسلام و ایمان دو کلمه مترادف هستند و هر دو به یک حقیقت اشاره دارند. شرط اسلام آوردن، پذیرفتن هر سه اصل اساسی توحید، نبوت و معاد، و عمل به اصول دستورات اسلام است که در پنج امر نماز، روزه، زکوٰه، حج، جهاد خلاصه می شود.

۳.۱. خواستگاه ظهور شیعه و اهل سنت

ظهور شیعه و اهل سنت یک ظهور سیاسی و آئی نیست. بلکه یک ظهور با پشتوانه معرفتی و تاریخی است. به حقیقت امامت و ولایت، باید از ورای تداوم فلسفه نبوت در عصر خاتمیت انزال نبی و تدوین شریعت جدید نگریست. روشن ترین دلیل شناخت فلسفه بعثت در عصر خاتمیت، در ولایت خلاصه می شود. بینش معرفت شناختی در پیدایش شیعه و اهل سنت، به تفاوت فهم اصحاب پیامبر از فلسفه نبوت، تداوم رسالت و حقیقت شریعت ناشی می شود.

تعدادی از صحابه رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» با فهم شریعت، ضرورت تداوم هدایت، از جنبه معرفت دینی را با تکیه بر امامت و ولایت تفسیر کردند و امامت را در طول نبوت و حاکمیت خدا برای بقای شریعت امری حیاتی و اصلی دانستند. این عده در اسلام به شیعه معروف شدند. اما عده ای دیگر از اصحاب پیامبر «صلی الله علیه و آله» تداوم هدایت الهی بعد از رحلت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» را بر مبنای اجتماع و اجماع تعدادی از نخبگان امت کافی دانستند و قیاس و استحسان را برای تطبیق قوانین شریعت با حقیقت حیات اجتماعی و فردی انسان تا قیام قیامت توانا یافتند.

متکلمین اسلامی، به استناد آیات قرآنی، رسالت اصلی پیامبران اولوالعزم، را در دو امر جستجو می کنند: الف) نبوت ب) امامت. در شأن نبوت، پیامبر راهنمای مردم است. اما در شأن امامت، پیامبر رهبر مردم است. در صورت عدم پذیرش این نظریه، عقلاً دلیلی برای تفاوت پیامبران اولوالعزم با سایر پیامبران، وجود ندارد. در منظر فریقین، با رحلت پیامبر، ضرورتاً ختم نبوت در راهنمایی بشر به اتمام رسیده است، زیرا او خاتم الانبیاء است. ولی شأن امامت که شأن رهبری بر امت است همچنان پایدار و پا برجاست.

اختلاف شیعه و سنی، بر سر ضرورت تداوم شئون امامت یا رهبری نیست، بلکه بر سر این است که شئون امامت و رهبری بعد از رحلت پیامبر «صلی الله علیه و آله» از آن چه کسی است؟. ظهور اختلاف در فهم این مسئله و انطباق آن با حیات اجتماعی مسلمانان نیز ضرورتاً باید یک اختلاف معرفت شناختی باشد نه یک اختلاف سیاسی بر سر قدرت و حکومت.

شیعه و اهل سنت هر دو، عصمت خلیفه را پذیرفته‌اند. با این تفاوت که شیعه عصمت را به معنی انحصار در قدرت عقلی امام با وجود توانایی بر انجام گناه می‌داند و اهل سنت نیز با پذیرش نظریه عدالت صحابه، قائل به ضرورت عصمت برای هدایت جامعه شده‌اند. چرا که آنها برای اعتبار اجماع و سندیت احادیث منقوله از پیامبر که از زبان صحابه به نسل‌های بعدی انتقال پیدا می‌کرد، هیچ راهی نداشتند مگر آنکه نظریه عدالت و عصمت صحابه را پذیرا باشند. شیعه به این استدلال پاسخ داده است که شأنت اصل اجماع تنها در مقبولیت نظام سیاسی است نه مشروعیت آن، چرا که هیچ دلیلی از شریعت که مبین حکم اجماع باشد وجود ندارد. ضمن اینکه اجتماع تعداد مشخصی در یک مکان، به منزله اجماع امت نیست. زیرا در اجماع، قول تمام یا اکثریت امت معتبر است و در اجتماع سقیفه چنین شرطی حاصل نشده است و تمام اهل مدینه دور هم جمع نشدند چه برسد به اجماع همه مسلمانان (نامدار، ۱۳۷۶، صص ۵۱-۷۳؛ مفید، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳). و چنانچه پیامبر، مسوولیت تعیین جانشین را به عهده مهاجران و انصار می‌گذاشتند، مسلماً لازم بود اطلاعات وسیعی در اختیار آنها بگذارد، تا در پرتو آن دانش وسیع و بینش عمیق، این مسوولیت را به عهده بگیرند. به ویژه اگر توجه کنیم که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» خود نوید سقوط دو امپراتوری بزرگ و گسترش دامنه دعوت اسلامی را داد و به خوبی می‌دانست که چگونه ملل بی شماری با سرزمین‌های پهناور خود، به امت اسلامی خواهند پیوست. آیا ضرورتی نداشت که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» برای «شورا» نیز حدودی مقرر فرماید تا سیره ثابت و معینی اجرا گردد و بازیچه بازیگران قرار نگیرد؟! (صدر، بی تا، صص ۳۹-۳۴).

پس اختلافاتی که منجر به تشکیل فرق مختلف اسلامی شد، ابتدا در مسئله خلافت و جانشینی و ولایت امت اسلامی بود سپس به حوزه فقه، کلام و الهیات کشیده شد.

ولی آنچه که حائز اهمیت است این است که در آئین مقلّس اسلام، شرط ایمان آوردن، پذیرش اصول سه گانه توحید، نبوت، معاد و عمل به فروع دین (نماز، روزه، زکوة، حج، جهاد) است. با پای بندی به موارد مذکور، مسلمانان، به عنوان امت واحد اسلامی در جهان شناخته می‌شوند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء، ۹۲). اسلام از بدو تأسیس، با «ناسیونالیسم» مخالفت کرده است و می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات، ۱۳) و چهره پیامبر گرامی اسلام - را که در قرآن از او با عنوان اسوه حسنه یاد کرده - و پیروانان راستین وی را این گونه توصیف می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: مُحَمَّد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند»

(فتح، ۲۹). چنانچه اراده پروردگار به این امر تعلق می‌گرفت که تمام انسان‌ها را بدون داشتن قدرت اختیار و به اجبار معتقد به وحدانیت پروردگار و ولایت‌پذیری خلق کند، بی‌شک بر این امر قادر بود. اما خود در قرآن به این مسئله اذعان دارد که دنیا تنها سرای ابتلا و آزمایش است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ: وَاگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را (به اجبار) امت واحدی (بدون هیچ‌گونه اختلاف) قرار می‌داد؛ ولی آنها همواره با هم اختلاف دارند؛ مگر کسی را که پروردگارت رحم کند؛ و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید» (هود، ۱۱۸-۱۱۹). و همچنین بیان داشته است که «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» به ریسمان الهی چنگ زیند و متفرق نشوید (آل عمران، ۱۰۳). در آیات متعدّد به شدت علاقمندی پیامبر در اسلام آوردن قومش اشاره کرده و به ایشان متذکر می‌شود که تو تنها یک مبلغ هستی و می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِن نَّشَأَ نُنَزِّلُ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ: گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند! اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن (بی‌اختیار) خاضع گردد» (شعراء، ۳-۴). در آیه دیگر، خداوند برخورد منطقی را، به اهل ایمان در برخورد با کسانی که از نظرشان، با ادله ضعیف و سست، معتقد به امور باطل شده و راه انحراف از سعادت را می‌پیمایند، آموخته و می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبَغِي الْجَاهِلِينَ: و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام و وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم» (قصص، ۵۵). از فحواى آیه گفتار نیک و برخورد پسندیده با افرادی که از مسیر اصلی دچار انحراف شده‌اند کاملاً مشهود است.

پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» و امامان ما، مرتب مسلمانان را به حفظ وحدت سفارش کرده‌اند ایشان فرمودند: سه چیز است که کینه آنها در دل مؤمن جای نمی‌گیرد: اخلاص عمل برای خداوند، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمانان و پایبندی به جامعه مسلمانان. همه مؤمنان، برابری و خونشان برابر است و همه آنان در مقابل دشمن، وحدت دارند و در وفا به عهدی که کمترین فرد آنان منعقد ساخته می‌کوشند (حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۷۱). در سیره اهل بیت عصمت و طهارت، شاهد راهنمایی و هدایت ایشان با گفتار نیکو و برهان پسندیده هستیم و هیچ شاهد تاریخی مبنی بر درگیری لفظی با اهل سنت و لعن کردن آنها به چشم نمی‌خورد و به تصریح قرآن حتّی با صبر و حوصله، به سخنان باطل اهل کتاب و منافقین که تنها قصد آزار و اذیت نبی اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» را داشتند، گوش می‌سپردند. قرآن به این امر تصریح می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ» (توبه، ۶۱) و در ادامه نیز عمل پیامبر را تأیید نموده و می‌فرماید: «قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ».

۲- اهداف دشمن

در قرن نوزدهم، تمامی کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهای خلیج فارس، شاهد حضور استعمار خویش بودند. این حضور که در ابتدا جلوه اقتصادی داشت، در قرون اخیر، ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته که در بعد فرهنگی، ایدئولوژی اسلامی، به ویژه نوع شیعی آن را به چالش می‌کشد.

شکست مسلمانان به دست اروپائیان مسیحی، قبل از قرن نوزدهم اتفاق افتاد. هنگامی که بخش وسیعی از سرزمین اسلامی زیر سلطه و نفوذ کشورهای اروپایی قرار گرفت، «اندلس» و «سیسیل» در جنگ «تولوز» ارسال ۱۳۱۳ م از دست مسلمانان خارج شد. روس‌ها از قرن ۱۶ م به سرزمین‌های مسلمانان در آسیای میانه لشکرکشی کرده و آنجا را ضمیمه خاک خود کردند. پرتغالی‌ها و هلندی‌ها از ۱۵۰۶ از راه دریا به وسیله نیروی دریایی قدرتمند خود، بندرها و جزایر مهم و استراتژیک را در خلیج فارس و اقیانوس هند به زیر سلطه خود درآوردند. انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها از اوایل قرن ۱۹ راهی جهان اسلام شدند. بریتانیا، نیروی دریایی خود را که از سواحل غربی هند تا شیخ نشین‌های خلیج فارس گسترش داده بود و اقدام به تأسیس نظام پایگاه نظامی نموده و نیروی نظامی خود را مستقر کرده بود. به دنبال شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و فروپاشی آن، انگلیس اقدام به تأسیس نظام قیومیّت و تحت الحمایگی برای کشورهای عراق، اردن و فلسطین نمود. بدین ترتیب، کشورهای استعمارگر اروپایی، بر مراکز استراتژیکی و سوق الجیشی جهان اسلام، مانند راهها، اقیانوس‌ها، تنگه‌ها، خلیج‌ها و مراکز دارای معادن و منابع غنی زیرزمینی تسلط پیدا کردند. آن‌ها ضمن غارت ثروت‌های خدادادی جهان اسلام، اقدام به اعمال نظارت سیاسی و تغییر فرهنگشان کردند. محتوای فرهنگ اسلامی مردم و احکام و دستورات قرآن را، شاید بتوان یگانه عاملی دانست که تداوم حضور آنها را در منطقه به مبارزه می‌طلبد و با خطر مواجه می‌سازد (مقتی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).

۱-۲ تفرقه افکنی میان مسلمانان

غریبان متوجه این نکته شده بودند که برای استمرار سلطه خود بر مسلمانان، باید آنها را نسبت به ارزش‌ها و اصول و مبانی فرهنگ اسلامی بی تفاوت کرده و مظاهر فرهنگی خود را بر آنها دیکته کنند.

بدین ترتیب، تلاش برای بیگانه کردن آنان از فرهنگ و هویت اسلامی خویش آغاز گردید و با رواج اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و هم چنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی و همچنین قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی به کشورهای کوچک، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه کن کننده استعمار، یعنی «اتحاد اسلامی» صورت پذیرفت (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۵).

۲-۲ ایجاد خود باختگی و خودکم بینی در بین مسلمانان

مسلمانان در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی)، به دلیل ناآگاهی از تحولات غرب و سفرهای احتمالی به غرب، سخت مرعوب یا مجذوب می‌شدند و از اینکه شرق اسلامی بتواند در برابر غرب مسیحی به نحوی، چه به شکل رقابت، و چه به شکل مبارزه قد علم کند مأیوس بودند (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۹؛ بادام

چیان، ۱۳۸۷: ۲۴۲). در ایجاد چنین شائبه‌ای استثمار با تمام داشته‌های کاذبش و با به رخ کشیدن آثار تکنولوژی و سبک زندگی متفاوت خویش قد علم نمود تا احساس خود باختگی و خود کم بینی را در بین مسلمانان تلقین نماید و آنان را به سمت و سوی خویش متمایل سازد.

۲-۳ رواج دین‌گریزی در خاورمیانه

غرب با جذب افکار توده‌های مردم، به ظواهر فرهنگ خویش و پیشرفت‌های فناورانه، آنان را دچار بحران هویت نمود و قشر جوان و تحصیل کرده جامعه را، به سوی پیروی از الگوهای غربی سوق داد. در جوامع شیعی به واسطه نفوذ علما و مراجع تقلید در میان توده‌ها این رویکرد تا حدودی ناکارآمد جلوه نمود، به رغم تلاش استعمار در حذف ارزش‌های اسلامی و هضم جوامع اسلامی در فرهنگ غرب، موج بیداری جوامع اسلامی آغاز گردید. بدین ترتیب، جنگ ایدئولوژی‌ها به وقوع پیوست؛ به هر حال آنچه تا پیش از این در جهان غرب به عنوان اسلام شناخته، اسلام از نوع سنی آن بوده است و اینک با رویکرد جدیدی آشنا می‌گردد که از ابعاد بسیار پیچیده‌ای برخوردار و کاملاً ناشناخته است. برای مثال رابطه مقلد و مقلد که هم رهبری دینی را تشکیل می‌دهد و هم رهبری سیاسی را، پدیده بسیار پیچیده‌ای را به نمایش می‌گذارد که کمتر بدان آگاه هستند. این واقعیت، دشمنان اسلام را به فکر تضعیف رابطه مرجع و امت و ایجاد مانع در این میان واداشته است. چرا که روحانیت سنی یک نهاد مستقل ملی نیست، بلکه وابسته به حکومت‌هایی است که خود قرن‌ها آنها را به عنوان «اولوالامر»، به جامعه معرفی کرده است. لذا در طول تاریخ، علمای دینی سنی، هیچ‌گاه نمی‌توانستند به عنوان یک پایگاه ضد استبداد و ضد استعمار عمل کنند (مطهری، ۱۳۷۷، صص ۱۵-۱۷؛ بادام چیان، ۱۳۸۷: ۲۴۵). لذا سید جمال الدین اسد آبادی، در سفر به اروپا، متوجه اهمیت نفوذ روحانیان برای انجام اصلاحات شده و می‌گوید: «اروپائیان، چون اعتقاد دینی مسلمانان را استوارترین پیوند میان آنان می‌بینند، می‌کوشند تا با نام مخالفت با تعصب، این پیوند را سست کنند ولی خود بیش از هر گروه و کیش به تعصب دینی گرفتارند» (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۲۷). «گلادستون»، سیاستمدار پخته و زیرک انگلستان در توجیه شکست خود، از روحانیت اسلام و ملت، به مجلس انگلیس رفت و قرآن را به دست گرفت و گفت: تا این کتاب بین مسلمانان باشد و ایمان به آن داشته باشند، ما در برنامه‌های خود موفق نخواهیم بود (بادام چیان، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

۲-۴ دخل و تصرف در آداب و رسوم اسلامی

یکی از شیوه‌های استثمار برای مقابله با اسلام ناب محمدی (ص)، تحریف و تغییر آداب و سنن اسلامی است؛ زیرا به نیکی دریافته است که اعتقاد محکم مسلمانان به مبانی دینی و اسلامی خدشه بردار نیست؛ بنابراین با شیوه‌ای نوین دست به تحریف و تغییر آداب و رسوم آن نمود و تمام قوای خویش را به کار بست تا با مخدوش نمودن فروع و ظواهر اسلامی و خلط آن با خشونت و خرافات به تدریج از استقامت و اعتقاد مسلمانان بکاهد و پایه‌های دینی را متزلزل نماید تا انسان متمدن امروزی دیگر نتواند این دین خرافی خشن

را بپذیرد و خود به خود از آن فاصله بگیرد. در این راستا اموری را بنا نهاد که در ذیل به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۴-۲ رواج شیوه‌های نامشروع قمه زنی در کشورهای اسلامی

پیرو اهداف مذکور، انگلیسی‌ها، از شیعیان هندوستان که از مرکز تشیع و مرجعیت نجف به دور بودند شروع کردند و از جهل و سادگی شیعه و عشق زیاد آنها به امام حسین «علیه السلام» سوء استفاده نمودند و قمه و شمشیر زنی بر پیشانی را جعل کرده و به آنان آموختند. متأسفانه برخی شیعیان هند، این بدعت را بدون مجوز علما پذیرفتند و سپس این شیوه عزاداری از هند، به ایران و عراق رخنه نمود. تا گذشته‌ای نه چندان دور، سفارت‌های بریتانیا در تهران و بغداد، هیئت‌های عزاداری را که به صورت انزجار آور و زشت در کوچه و خیابان‌ها ظاهر می‌شدند، تأمین می‌کردند. غرض از سیاست استعمار انگلیس از کمک به رشد این مراسم، به دست آوردن دلیلی معقول برای استعمارش بود که همواره با معارضة مردم بریتانیا و برخی نشریات آن کشور روبرو می‌شد. استعمار انگلیس می‌خواست ثابت کند که مردمان مستعمره هند و کشورهای اسلامی دیگر که به آن صورت وحشیانه در خیابان ظاهر می‌شوند، احتیاج به ولی و قیمی دارند که آنان را از جهل و توخس موجود برهانند.

منقول است که یاسین هاشمی، نخست وزیر عراق، برای گفتگو جهت پایان دادن استعمار، به لندن رفته بود، بعد از شنیدن ادله آنها مبنی بر رهانیدن مسلمانان از توخس و حماقت و رساندن به سعادت، با عصبانیت از جلسه خارج شده، انگلیسی‌ها از او عذرخواهی کرده و او را به دیدن فیلمی از هیئت‌های حسینی حاوی مشاهد مهیب و نفرت آور از شمشیر کوبی و قمه‌زنی مردم عزادار مستند از عراق دعوت می‌کنند. گویی انگلیسی‌ها می‌خواستند بگویند: «آیا مردمانی روشنفکر که از تمدن بویی برده‌اند با خود چنین می‌کنند؟!» (فخر الأئمه، ۱۳۸۷، دست پنهان، ص ۲۲-۲۳).

زمانیکه کمونیست‌ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند بجز قمه زدن. چرا که این امر برای آنها یک وسیله تبلیغ برضد دین و برضد تشیع بود. هر جا خرافات به میان آید، دین خالص بدنام خواهد شد (فخر الأئمه، ۱۳۸۷، هیأت، ص ۸۲).

پیرامون تاریخچه پیدایش قمه‌زنی در ایران باید گفت پیترو دل‌واله، جهان گرد فرانسوی، عزاداری محرم در زمان شاه عباس را این گونه توصیف می‌کند: مردم لباس سیاه به تن کرده، ریش خود را نمی‌زنند، حمام نمی‌روند و نه تنها از ارتکاب به هر گناهی پرهیز می‌کنند بلکه خود را از هر گونه خوشی و تفریح محروم می‌سازند و حتی قسمتی از سر را در خمره‌هایی از گل پخته فرو می‌کنند و تا پاسی از شب به همین نحو باقی می‌مانند و برخی دیگر، با پارچه سیاه ستر عورت کرده و سرتا پای خود را با ماده ای سیاه رنگ زده‌اند حرکت می‌کنند. تمام این نشان دادن مراتب سوگواری و غم و اندوه آنان در عزای حسین است (پیترو دل‌واله، ۱۳۷۰، صص ۱۲۳-۱۲۴). بنا به شواهد موجود در زمان صفویه چیزی به اسم قمه‌زنی شایع نبوده

است. پس می‌توان ادعا نمود که در اواخر دوره صفوی و اوایل دوره قاجار، قمه زنی در ایران مرسوم نبوده است. در دوران قاجار، خطبایی مثل آخوند ملا آقا بن عابد شیروانی معروف به فاضل دربندی، همین قدر که در رونق بخشی به مجالس عزا در آن دوره نقش داشتند، در ورود مطالب سست و جعلی و خرافات و در نتیجه عوام گرایی این مجالس هم مؤثر بوده‌اند. عبدالله مستوفی، تاریخ نگار دوره قاجار درباره او می‌نویسد: «این آخوند بیچاره از راه اخلاص به خانواده رسالت و ثواب رساندن به مردم، کار روضه و روضه خوانی را از خرد در کرده و به عنوان «تسامح در ادله سنن» تا توانسته است اخبار ضعیف و عقاید سخیف وارد روضه خوانی نموده است. تیغ زدن روز عاشورا از کارهایی است که این آخوند در عزاداری وارد یا لامحاله آنرا عمومی کرده و فعل حرام را موجب ثواب پنداشته است و ترک‌ها هم این عزاداری را پذیرفته‌اند و این خلاف شرع بین، جزو عزاداری و کار ثواب وانمود شده است. واهالی عراق اگر هم در این عزاداری شرکتی می‌کرده‌اند، خیلی از حیث نفرات بی‌اهمیت بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۴۱، ج ۱، صص ۲۷۵-۲۷۷). شهید مطهری می‌گوید: قمه‌زنی و بلند کردن طبل و شیپور از ارتدوکس‌های قفقاز به ایران سرایت کرد (مسائلی، بی تا، ص ۶۳).

۱-۴-۲ رویکرد علما به قمه زنی

مقدس اردبیلی، از جمله علمای عصر صفویه است که با قمه زنی مخالف بود و با این استدلال که این اعمال جزو رسوم اقامه عزا نیست و در سیره اهل بیت «علیهم السلام» نیز وجود ندارد، آنان را از این کار نهی می‌کرد تا جایی که به عنوان اعتراض ترک دیار (اردبیل) کرده و به یکی از قریه‌های اطراف رفت تا صدای عزاداری مردم به آن شیوه را نشنود (فخر الأئمه، ۱۳۸۷، دست پنهان، صص ۱۸-۱۹).

در عصر قاجار، علمای بزرگی مثل علامه سید محسن امین عاملی، قمه‌زنی و نظایر آن را غیر شرعی و شیطان‌پسند خوانده و به مخالفت با آن پرداختند که باز هم -با توجه به این که قمه زنی به سرعت جایگاه مطلوبی نزد عوام یافته و جزئی لاینفک از مظاهر دینداری، با لعاب تعصب مردم شده بود - نه تنها مخالفت این دسته از علما مؤثر واقع نشد، بلکه به تشکیل جبهه‌ای در بین مردم و برخی از علمای موافق قمه‌زنی منجر شد؛ تا جایی که به علامه تهمت زدند که می‌خواهد اخبار را نسخ کند و از اجرای اعمال دین جلوگیری کند (امین، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۶۳؛ فخر الأئمه، ۱۳۸۷، دست پنهان، ص ۳۰). ایشان فتوا می‌دهد: قمه‌زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر، که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایذای نفس است که خود در شرع حرام است و در جهت این عمل، شیعیان اهل بیت مورد تمسخر قرار می‌گیرند و وحشی قلمداد می‌شوند (اکبر نژاد، ۱۳۸۵، شماره ۴۸، ص ۲۱۵).

۲-۲-۴-۲ فتوای علمای معاصر

در بررسی منابع فقهی و صدور حکم حلت یا حرمت امری، چنانچه نصی به صراحت بر حرمت، دلالت کند علما حکم به حرمت آن داده‌اند، در غیر این صورت، از نظر آنها اصل حلیت حاکم خواهد بود. چنانچه آیت الله سید مرتضی فیروزآبادی در صدور فتوای خود مبنی بر حلت یا حرمت قمه زنی، بدان تصریح کرده است (ربانی خلخالی، بی تا، ص ۶۸). به نظر می‌رسد بعد از ممنوعیت برپایی مراسم عزاداری در ایران توسط رضاخان و ممنوعیت تیغه و قمه زنی در عراق توسط نخست وزیر وقت، یاسین هاشمی بنا به حکم «حریص شدن انسان به هر آنچه که از آن منع شود»، مردم و حتی برخی از علمای ایران و عراق، در عشق به عزاداری بر امام حسین «علیه السلام» دچار نوعی افراط شدند، به نحوی که حتی عالمی مثل آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، در فتوای خود می‌گوید: «سینه زدن، زنجیر زدن و امثال آنها به شرط اینکه مشتمل بر محرّمات الهیه نباشد، هیچ گونه اشکالی ندارد بلکه در این عصر لازم و دارای اجر و ثواب زیادی است. در عصر مذکور، مراجعی چون سید محمد صادق حسینی روحانی، وجود داشتند که نسبت به توطئه دشمن واقف بوده و چنین فتوا دادند: «سینه زدن، زنجیر زدن و قمه زدن کار صحیحی نیست. همه از نقشه‌های سوء و توطئه های ییگانگان و دشمنان دین است (همان، ص ۱۳۷). سید محمد حسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی، سید محسن حکیم، محمد جواد مغنیه، عبدالکریم جزائری، محمد حسین کاشف الغطاء، سید ابوالحسن اصفهانی، شهید مطهری، قمه زنی را حرام دانسته‌اند (مسائلی، بی تا، صص ۸۰-۸۳). علمائی همچون آیت الله خمینی، خوبی، گلپایگانی، محمد هادی حسینی میلانی، حسین طباطبائی بروجردی، تنها به برپایی عزاداری بر امام حسین تشویق و ترغیب نموده‌اند و نامی از تیغه و قمه زنی نبرده‌اند (ربانی خلخالی، بی تا، صص ۱۲۸-۱۳۵).

آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید: «آنچه از مراجع سلف، نقل شده است بیش از آن نیست که اگر این کار ضرر معتنی به ندارد جایز است. ضرری که ملاک حرمت است فقط ضرر جسمی نیست بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سرو کار دارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. امروز این ضرر بسیار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است. قمه زدن سنتی جعلی است. حتی اگر قمه زنی حرام هم نباشد، از بینات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا پسندد، چه نپسندد، ما باید ملزم بدان باشیم» (فخر الأئمه، ۱۳۸۷، هیهأت، صص ۷۹-۸۴؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹، صص ۳۲۱-۳۲۲).

۲-۵-۲ ایجاد جنبش‌های عوام گرایانه در عصر حاضر

یکی از مکاید استثمار تربیت و سازمان بخشیدن به افراد و گروه‌هایی است که عامدانه و یا جاهلانه آب در آسیاب دشمن بریزند و آنان را در راستای رسیدن به اهداف خویش بی واسطه و یا با واسطه یاری رسانند. در مواجهه با شیعه به دنبال راهکاری است تا بتواند از درون پایه‌های اعتقادی آن را سست و از بیرون مقابل با

دیگر فرق اسلامی قرار دهد تا شاید بتواند با این شیوه به هدف استثماری خود نائل آید. یکی از شیوه‌هایی که در این راستا، اتخاذ نموده است، ایجاد شیعه انگلیسی است تا به مدد آن به اهداف خویش دست یابد.

۱-۵-۲ شیعه انگلیسی

استثمار در جهت تأمین منافع چپاولگرانه‌اش به دنبال حذف اسلام و در رأس آن شیعه است و با ایجاد جنگ نرم در پی تغییر و تحریف شیعه از درون است. در این راستا هر آداب و رسومی که چهره شیعه را کریه و ناخوشایند جلوه دهد اشاعه داده و بر مسائل تفرقه افکنانه پافشاری می‌نماید و در این راستا هر شخص و یا گروهی از شیعیان که دشمن را به اهداف خود برساند شیعه انگلیسی نامیده می‌شود. جهت تنویر موضوع به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود.

در حال حاضر، با وجود منع علما از قمه‌زنی که چهره رحمانی اسلام را مخدوش و موجب وهن مسلمانان است، هستند کسانی که عامدانه و یا جاهلانه در اشاعه این عمل حرام اصرار می‌ورزند و قمه‌زنی را با استناد به آیه ۳۶ حج: «وَالْبَدَنَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» از شعائر الهی می‌دانند و با توجه به آیه «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» و گاه با وارونه جلوه دادن وقایع تاریخی (جمعی از محققان، ۱۴۳۲، صص ۸-۱۰) شیعیان را به لطم، هروله، قمه‌زنی تشویق و برپایی آنرا امری واجب و لازم الاجرا می‌دانند (حسینی شیرازی، صادق، ۱۴۳۲، صص ۱۴-۱۵؛ حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، کشتی بان هدایت، ص ۶۸؛ جمعی از محققان، ۱۴۳۲، ص ۳۵) و اشاره به روایتی می‌نمایند که حضرت زینب «سلام الله علیها»، سر خود را بر محمل کوبیدند و سند این روایت را نیز صحیح می‌دانند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، کشتی بان هدایت، صص ۶۷-۶۸). حتی، با اذعان به نقشه استعمار در تفرقه افکنی میان مسلمانان (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، شیعه و اتهامات ناروا، ص ۱۵) تشویق به برپائی مراسم اختلاف برانگیز عیدالزهر، لعن برخلفای ایام محسّنه، (حاجیان دشتی، بی تا، ص ۱۱) می‌نمایند؛ بنابراین لازم است جهت تنویر کلام حق، این آیه از نظر دلالت، بررسی و سند و دلالت روایت، مورد مذاقه قرار گیرد.

۱-۵-۱-۱ پاسخ به قمه زنی از شعائر الهی

کلمه «شعائر»، جمع «شعیرة»، به معنای علامت است. شعائر خدا علامت‌هایی است که خداوند آنها را برای اطاعتش نصب فرموده و آن شامل وقوف، طواف، سعی، رمی، ذبح و غیره است. همچنان که فرموده: «إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» و «وَالْبَدَنَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ». بدین، شتری است که برای قربانی سوق داد می‌شود، و باشکافتن کوهانش از طرف راست، آن را علامت گذاری می‌کنند تا معلوم شود که این شتر قربانی است. بدین جهت از شعائر الهی خوانده شده است که با وجود کثرت نفع و برکت و شدت محبت انسان به مال، قربانی خدا شده تا بر قوت دین و میزان اهمیت بزرگداشت امر الهی دلالت کند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، صص ۵۲۷-۵۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵۱؛ محمد بن مکرم (ابن منظور)، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۱۴؛ طریحی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۴۶).

«وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» تعظیم شعائر الهی، از تقوی است؛ اضافه تقوی به قلوب، اشاره به این حقیقت است که حقیقت تقوی و احتراز و اجتناب از غضب خدای تعالی و تورع از محارم او، امری است معنوی که قائم است به دل‌ها، پس تقوی قائم به اعمال - که عبارت است از حرکات و سکنات بدنی - نیست (طباطبائی، ج ۱۴، صص ۵۲۷-۵۲۹).

حال این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به سیاق و مدلول آیه و تناسب آیات و با توجه به فلسفه حج و تأکید پیامبر «صلی الله علیه و آله» و اهل بیت «علیه السلام»، بر برپایی مناسک حج، آیا آسیب رساندن به خود و مخدوش کردن چهره شریعت و دین گریزی از جمله اموری به حساب می‌آید که خداوند آنها را برای عبادتش نصب فرموده است؟! عملی که هیچ عقل سلیمی آن را زیبا و از نشانه‌های تقوا نمی‌داند. امری که هیچ ریشه‌ای در سنت ندارد و کاملاً بدعتی مجعول دست انسان‌هایی است که گاه از روی اخلاص، طعمه و خواستگاه سودجویان استعمارگر قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۵-۲ پاسخ به کوییدن سر زینب «سلام الله علیها» بر محمل، مجوز قمه‌زنی

در تجویز قمه زنی اشاره به روایتی شده است که سند آن را صحیح دانسته‌اند. در این روایت بیان شده است که حضرت زینب «سلام الله علیها»، سر خود را بر محمل کوییدند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، کشتی بان هدایت، صص ۶۷-۶۸) و این عمل مجوزی بر لطم و ضرب و قمه زنی در مراسم سوگواری سالارشیعیان انگاشته شده است. در این روایت فردی به نام «مسلم جصاص» (گچکار)، نقل می‌کند: من از طرف ابن زیاد مأمور تعمیر دارالاماره کوفه و مشغول کار بودم که هیاهویی در شهر بلند شد. دست از کارشستم و به سوی هیاهو و ازدحام مردم رفتم. دیدم سرها را بر سر نیزه‌ها کرده و همراه با اسرا که در چهل کجاوه بودند، وارد شهر می‌کنند. زینب دختر علی، خطبه می‌خواند و مردم کوفه را به باد ملامت گرفته بود که ناگهان سر حسین «علیه السلام» رابالای نیزه کرده، جلوی کجاوه زینب آوردند. زینب چون چشمش به سر بریده برادر افتاد و دید که باد موی محاسن برادرش را گاه به راست و گاه به چپ می‌برد، از شدت تأثر و ناراحتی سرش را به چوب محمل کویید؛ چنانچه خون از زیر مقنعه اش جاری شد. و اشعاری را می‌سراید (مفید، ۱۴۱۳، امالی المفید، ص ۳۲۱؛ مجلسی، بی تا، ج ۵، صص ۱۶۴-۱۶۵). بر این حدیث چند اشکال وارد می‌شود این که محدث قمی، می‌گوید: ذکر محامل و هودج، در غیر خبر «مسلم جصاص» نیست. و این خبر را اگر چه علامه مجلسی نقل فرموده، لکن مأخذ نقل آن منتخب طریحی و کتاب «نورالعین» است که حال هردو کتاب برای اهل فن حدیث مخفی نیست. کتاب «نورالعین» بی اعتبار و مجهول المؤلف است و شیخ طریحی از آنجا حکایت کرده و شکستن پیشانی حضرت زینب از مشتملات این خبر مجهول است. صدور اشعار مذکور از رضیه نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم، حضرت زینب «سلام الله علیها» بعید است زیرا علاوه بر بدور بودن از بلاغت، امام حسین «علیه السلام» را به سنگدلی و قساوت قلب متهم کرده است. حضرت زینب، پس از مشاهده جنازه برادرشان امام حسین «علیه السلام»، گفت: «الهی تقبل مِنَّا الْقُرْبَانَ» (مسائلی، بی تا، صص ۲۵-

۳۰). علاوه بر این، امام حسین «علیه السلام» هم مردم عادی و هم اهل بیت خود را از نوحه سرائی و جزع و فرع منع نمودند. در کتاب کامل الزیارات، در حدیثی، در ذکر واقعه کربلا از زبان مبارک امام سجاد (ع)، تصریح به حمل زنان بر اکتاب شده است: «وَقِيلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وُلْدِهِ وَ إِخْوَتِهِ وَ سَائِرِ أَهْلِهِ وَ حَمَلَتْ حَرَمَهُ وَ نَسَاؤُهُ عَلَى الْاِقْتَابِ» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۲۶۱). اکتاب در لغت عرب به معنای پالان شتر است (قیم، ۱۳۸۴، ص ۸۰۸؛ طریحی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۶۰). همچنین، از امام محمد باقر «علیه السلام» روایت شده است که هنگامی که امام حسین «علیه السلام» در صدد کوچیدن از مدینه برآمد، زنان بنی عبدالمطلب آمدند و به نوحه سرایی پرداختند، تا آنکه امام حسین «علیه السلام» میانشان رفت و گفت: شما را به خدا سوگند، مبادا که نافرمانی خدا و رسول باشد که از شما سربرزند (ابن قولویه قمی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵، ح ۲۷۵، باب ۲۹). که مراد آن حضرت از نافرمانی خدا، لا اقل شقّ جیوب و خمش و جوه را شامل می‌شود. در لهوف و دیگر مقاتل معتبر آمده است که امام حسین «علیه السلام»، در شب عاشورا به زنان حرم چنین فرمودند: «یا اخته یا امّ کلثوم، وَاَنْتِ یازینبُ، وَاَنْتِ یافاطمهُ، وَاَنْتِ یاربابُ، اَنْظُرْنَ اِذَا اَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْقُقْنَ عَلٰی جَبِيَا وَلَا تَخْمِشْنَ عَلٰی وَجْهًا وَلَا تَقْلَنَّ عَلٰی هَجْرًا: ای خواهرم ام کلثوم و تو زینب و هم تو ای فاطمه و تو ای رباب، توجه کنید! هرگاه کشته شدم، گریبان چاک نزنید و صورت نخرشید و سخن ناروا بر زبان جاری نکنید (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۸۲). این روایت به همین مضمون و با الفاظ گوناگون از امام حسین «علیه السلام» نقل شده است (مجلسی، بی تا، ج ۴۵، ص ۳؛ ج ۶۴، ص ۱۸۷؛ مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۴۴، ص ۳۹۱).

۲-۱-۵-۳ پاسخ به تجویز لطم زنی در عزاداری سالار شهیدان

کلینی، در کافی به سند خود از زبان از امام صادق «علیه السلام»، روایت کرده که فرمودند: بعد از آنکه رسول خدا، مگه را فتح کرد و با مردان بیعت فرمود، سپس زنان آمدند تا بیعت کنند خدای تعالی آیه ۱۲ سوره ممتحنه را فرستاد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيَعْنَكَ عَلَيَّ أَنْ..... لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ..» امّ حکیم دختر حارث بن هشام عرضه داشت: یا رسول الله، این معروفی را که خدا شرط کرده تو را در مورد آن معصیت نکنیم، چیست؟ حضرت فرمودند: «این است که لطمه به صورت نزنید، و چهره خود را نخرشید، و موی خود مکنید و گریبان چاک نکنید، و جامه سیاه نپوشید، و صدا به اوویلا بلند نکنید». زنان مگه پذیرفتند، و با آن جناب برطبق این شرایط بیعت کردند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۴۱۷؛ مسائلی، بی تا، صص ۴۳-۴۴؛ مجلسی، بی تا، ج ۶۴، ص ۱۸۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵، صص ۲۰۳-۲۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۱۱؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۳). امام صادق و پیامبر گرامی اسلام اهل خود را به شدت از لطم زنی در عذای از دست دادنشان نهی کردند (صدوق، ۱۴۰۳، صص ۳۹۰-۳۹۱؛ اکبر نژاد، ۱۳۸۵، شماره ۴۸، ص ۲۰۲). امام حسین «علیه السلام»، حضرت زینب «علیه السلام» را از لطم زدن و اوویلا سردادن منع کرده‌اند. روایت شده زمانیکه ایشان برای رفتن به میدان جنگ آماده می‌شدند و به حضرت زینب (س) گفتند: من جد و پدر و مادر و برادرم حسن «علیهم السلام» را دیدم و گفتند به زودی با

آمدن نزد ما خوشحال می‌شوی، حضرت زینب، بر صورت خود زدند (لطم) و فریاد بر آوردند. امام حسین «علیه السلام» به ایشان فرمودند: آرام باش، تا موجب شماتت دشمن نگردد (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۴۴، ص ۳۹۱) حتی اگر بپذیریم که حضرت زینب بعد از نهی امام حسین مرتکب لطم زنی شدند، امر امام معصوم بر عمل غیر معصوم اولویت دارد. امام صادق «علیه السلام»، نیز در حال احتضار، زنان را از لطم زدن و گریبان چاک دادن نهی کرد (اکبر نژاد، شماره ۵۰، ص ۲۶).

۴-۱-۵-۲ مفهوم عزاداری در شریعت اسلام

از فحوای روایات متعدّد، برمی‌آید که عزاداری بر اهل بیت «علیهم السلام»، مشتمل بر حبّ اهل بیت و برائت از دشمنان ایشان است به طوری که با شاد شدن در شادی آنها و محزن شدن در اندوه آنها در ظاهر نمایان گردد. به ذکر یک روایت به عنوان شاهد مثال اکتفا می‌شود:

از مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدَينِ بَصْرِيّ بَدِينِ مَضْمُونِ نَقْلِ شَدَهْ اسْتِ كِهْ اِمَامِ صَادِقِ «عَلِيهِ السَّلَامِ»، اَزْ وِي كِهْ اَزْ اَهْلِ عِرَاقِ بُوْدِ پَرَسِيْدَنْدْ كِهْ اَيَا بَهْ زِيَارْتِ قَبْرِ حَسَنِ «عَلِيهِ السَّلَامِ» مِي رُوِي؟ كَفْتْ: مَن نَزْدِ اَهْلِ بَصْرَهْ مَرْدِي مَشْهُورِم، گَرْوْهِي اَزْ نَاصِبِي هَا گَزَارَشْ كَارِ مَن رَا بَهْ خَلِيْفَهْ مِي دَهَنْدْ وَ اُو بَا مَن كَارِي مِي كَنْدْ كِهْ عِبْرَتِ دِيْگَرَانِ گَرْدَدْ، لَذَا اِحْتِيَاطِ كَرْدَهْ وَ بَهْ زِيَارْتِ اَن حَضْرَتِ نَمِي رُوْم. اِمَامِ صَادِقِ «عَلِيهِ السَّلَامِ»، پَرَسِيْدَنْدْ: اَيَا مِصَائِبِي كِهْ بَرَامَامِ حَسَنِ «عَلِيهِ السَّلَامِ» گَزْدَشْتَهْ اسْتِ وَ اَزَارِ وَ اذِيْتِ هَايِي كِهْ بَهْ اَن حَضْرَتِ رَوَا دَاشْتَنْدْ رَا يَادِ مِي كِنِي؟ كَفْتَمْ: بَلَهْ. پَرَسِيْدَنْدْ: اَيَا بَهْ جَزَعِ وَ فَزَعِ مِي آيِي؟ كَفْتَمْ: بَلَهْ، بَهْ خُدا قَسْمِ وَ بَهْ خَاطِرِ يَادِ كَرْدَنْ مِصَائِبِ اَن بَزَرْگَوَارِ، چنان غمگين و حزين مي شوم كه اهل و عيالَمِ اَثْرِ اَن رَا دَرِ مَن مِشَاهَدَهْ مِي كَنْنَدْ وَ چنان حالَمِ دِگَرْگُونِ مِي شُوْدْ كِهْ اَزْ خُوْرْدَنْ طَعَامِ وَ غِذَا اَمْتِنَاعِ نَمُوْدَهْ وَ بَوْضُوْحِ عِلَائِمِ حَزْنِ وَ اَنْدُوْهْ دَرْصُوْرْتَمِ نَمَايَانِ مِي گَرْدَدْ. اِمَامِ فَرْمُوْدَنْدْ: خُداوَنْدْ بَهْ وَاَسْطَهْ اَيْنِ اشْكِ هَا تُو رَا رَحْمَتِ نَمَايَدْ. تُو اَزْ كِساَنِي مَحْسُوْبِ مِي شُوِي كِهْ بَخَاطِرِ مَا جَزَعِ نَمُوْدَهْ وَ بَهْ خَاطِرِ سَرُوْرِ وَ فَرَحِ مَا مَسْرُوْرِ گِشْتَهْ وَ بَهْ خَاطِرِ حَزْنِ مَا مَحْزُونِ گَرْدِيْدَهْ وَ خَائِفِ بَرِ خَوْفِ مَا هَسْتِي وَ هَنْگَامِ مَرْگِ اَجْدَادَمِ رَا بَالَايِ سَرْتِ خَوَاهِي دِيْدْ كِهْ بَهْ مَلِكِ الْمَوْتِ سَفَارَشِ تُو رَا خَوَاهَنْدْ نَمُوْدْ وَ بَشَارْتِي كِهْ بَهْ تُو خَوَاهَنْدْ دَادِ بَرْتَرِ وَ بَالَاْتَرِ اَزْ هَرِ چيزِي اسْتِ وَ خَوَاهِي دِيْدْ كِهْ مَلِكِ الْمَوْتِ اَزْ مَادِرِ مَهْرَبَانِ بَهْ فَرَزَنْدَشْ بَهْ تُو مَهْرَبَانِ تَرِ وَ رَحِيْمِ تَرِ خَوَاهَدِ بُوْدْ (ابن قولويه، ۱۳۸۴، صص ۳۲۹-۳۳۰).

۵-۲-۱-۵ پاسخ به سب علنی و عواقب آن

در دین مبین اسلام، به حسن خلق، عفو و گذشت، حفظ وحدت و حفظ حرمت اسلام و پیامبر و ائمه، سفارش شده است (صدوق، ۱۴۲۶، ص ۱۷۳). پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» در وصیت خود به حضرت علی «علیه السلام» فرمودند: ۳ خصلت از مکارم اخلاق است: عطا و بخشش به کسی که تو را محروم کرده است؛ معاشرت داشتن و محبت نشان دادن با کسی که با تو قطع رابطه کرده و عفو و بخشش و گذشت نسبت به کسی که به تو ظلم کرده است (همان، ص ۱۰۴). در صحیح بخاری، حدیثی از پیامبر نقل شده که سب مسلمان فسق و قتل او کفر است (بخاری، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۳، ح ۴۸). در حدیث دیگری آمده است که أحنف بن قیس می گوید: برای یاری رساندن به مردی می رفتم که با ابو بکره برخورد کردم. از من پرسید: کجا می روی؟ به یاری این مرد می روم. به من گفت: برگرد که من از پیامبر شنیدم: هرگاه دو مسلمان با شمشیرشان با هم رو در رو شوند، قاتل و مقتول، هردو در آتشند. از پیامبر پرسیدم: تقصیر مقتول چیست؟ او هم حریص در قتل ملازمش است (همان، ج ۱، ص ۱۹، ح ۳۱). در آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۰۸) مسلمانان، از سب مشرکین منع شده اند. و همچنین در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶).
حال یک سؤال مطرح است و آن این است که: با وجود وصیت پیامبر به علی (ع)، مبنی بر گذشت و بخشش کسی که به تو ظلم کرده است و پشیمانی متخلف ۱، و تأکید پیامبر بر حفظ وحدت، آیا سزاوار است با برپائی مراسم جشن و سرور، به پیشوایان اهل سنت - که برادران دینی ما بوده و همانطور که متذکر شدیم با پایبندی شان به اصول دین، در زمره امت واحد اسلامی قرار گرفته و ما بنا به امر خدا و حضرت محمد «صلی الله علیه وآله»، باید نسبت به یکدیگر نظر رحمت داشته باشیم - بی احترامی کرده و باعث تهییج و تحریک آنها شده و وحدت خود را در روابط بین المللی از دست داده و به استعمار مسلمانان، رضایت دهیم؟ و باز چه دست افرادی قرار بگیریم که از یک سو با نامگذاری هفته وحدت به براءت، در میان شیعیان، ایشان را تشویق به سب و لعن خلفا کرده و کینه توزی نسبت به اهل سنت را در میان شیعیان اشاعه داده و با باب کردن مراسم مذهبی همچون دهه محسنیه، به جریحه دار کردن عواطف شیعیان دامن زده و از سوی دیگر با اشاعه اندیشه وهابیت در میان اهل سنت، با استناد به عملکرد مسلمانان، بر دامنه اختلافات ایدئولوژیکی افزوده و ریختن خون برادران دینی را مباح می دانند. چنانچه عبدالمالک ریگی در اعترافات خود به این امر تصریح نموده است که هرزمان که افراد تحت امر من خسته می شدند با نشان دادن فیلم های عیدالزهرها که شیعیان به سب و لعن خلفای راشدین می پرداختند تشویق به کشتن شیعیان می نمودند (www.sharghnews.ir). در حالی که بروز اختلاف میان فرق مختلف یک مذهب امری انکارناپذیر است بطوری که پیرو دلاواله، درسفرنامه خود، به ورود نماینده انگلیس به اصفهان و تردیدشان مبنی بر استقبال از او به دلیل کاتولیک بودنش، اشاره می کند و می گوید: به این نتیجه رسیدیم که شایسته نیست اختلافات داخلی ما عیسویان نزد حکمرانی که خارج از

۳۵

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

شبهه انگلیسی

سیده فاطمه طباطبائی و همکار

مذهب ما است (شاه عباس صفوی) ابراز شود، زیرا در این صورت، لطمه عظیمی به حیثیت ما وارد می‌آید و البته مناسب‌تر بود به شاه ایران نشان دهیم که اگر به فرض در مورد دین برحق عیسی اختلافاتی در بین ما وجود دارد در سایر مسائل متحد و متفق القول هستیم (پیرو دلاواله، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸). آیا بهتر نیست که ما نیز در روابط بین‌المللی خود، به جای توجه به اختلافاتمان، به فکر اهداف اسلام و حفظ جان مسلمانان باشیم؟

۶-۱-۵-۲ پاسخ به تحریف واقعات

از ویژگی‌های دیگر شیعه انگلیسی این است که در راستای هدف استثمار در نابودی شیعه، در پی تحریف واقعات و غیر موجه جلوه دادن چهره‌های تأثیر گذار شیعه می‌باشند. در شرح خطبه حضرت زهرا «سلام الله علیها»، این امر مشهود است: «سپس فاطمه زهرا «سلام الله علیه» به سوی خانه مراجعت نمودند در حالیکه امیرالمؤمنین «علیه السلام» انتظار بازگشت حضرت را می‌کشیدند و منتظر از راه رسیدن آن بانو بودند. چون حضرت زهرا نزد امیرالمؤمنین (ع) رسیدند، خطاب به ایشان، عرض کردند: ای پسر ابوطالب! آیا مانند جنین نشسته‌ای و مثل اشخاص متهم در خانه جای گرفته‌ای؟ تو بال‌های بازان شکاری را می‌شکستی؛ و اکنون پر پرندگان بی بال و پر بر تو تأثیر کرده است؟! این پسر ابوقحافه است که با قهر و غلبه بخشش پدرم و ذخیره دو پسر را می‌گیرد. او با جدیت تمام به مبارزه من برخاسته، و او را با دشمنی هر چه بیشتر در مقابل صحبت‌هایم یافتم تا آنکه انصار یاری خود را و مهاجران کمکشان را از من بازداشتند و چشمانشان را در یاری من بستند و در نتیجه نه دفاع کننده‌ای هست و نه منع کننده‌ای! با سینه‌ای پر از خشم از منزل خارج شدم، و با خواری به خانه بازگشتم. روی خود را به دلت افکندم هنگامی که صلابت را سست نمودی. تو گرگان را از هم می‌دریدی، ولی اکنون خاک را فرش خود قرار داده‌ای! نه گوینده‌ای را از کلام بازداشتی و نه از باطلی منع نمودی و من اختیاری از خود ندارم....» و حضرت علی «علیه السلام» فرمود: «... اگر به اندازه کفایت زندگی می‌خواهی روزی تو ضمانت شده است و متکفل آن مورد اعتماد است...» (حسینی شیرازی، ۱۳۹۰، کیست فاطمه، صص ۸۷-۸۹). با مراجعه به سیره پیامبر و اهل بیت «علیهم السلام»، بی‌اهمیتی ایشان به زیورهای دنیایی کاملاً مشهود است. چگونه صدور این کلمات را از صدیقه کبری بپذیریم؟ مگر نه آنکه مشرکین قریش به پیامبر پیشنهاد دادند که در مقابل دریافت وجوه نقدی زیاد، دست از تبلیغ رسالت بردارند و ایشان نپذیرفتند. آیا حضرت زهرا، پس گرفتن فدک را جز برای خرج کردن در راه مصالح مسلمانان و بی‌بضاعتان نمی‌خواستند؟ چطور بپذیریم که به خاطر تأمین آتیه فرزندانمان، چنین تحقیرآمیز با ولی امر مسلمین سخن بگویند؟ در مقابل این سخن، در بحارالانوار آمده است که حضرت زهرا «سلام الله علیه»، پس از رحلت پیامبر و قبل از شروع بیماری چهل روزه ایشان، خطاب به فرزندانمان فرمودند: «این ابوگما آلدی کان یکر مگما و یحمد گما مره بعد مره» که خود حکایت از نهایت تکریم ایشان، نسبت به حضرت علی دارد. استفاده از لفظ کان نشان دهنده استمرار این عمل از گذشته تا زمان حال است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۸۱).

بنابراین می‌توان اذعان نمود که اگر کسی با شخصیت‌های تأثیر گذار شیعه از طریق کتب موثق تاریخی آشنا شده باشد و اشراف کامل به اصول اعتقادی شیعه واقعی داشته باشد، در بین شیعیان هرگاه بوی نفاق، تفرقه، اختلاف، تحریف، مادی‌گرایی و... به مشامش رسد، رد پای دشمن را خواهد یافت و از آن شیعه انگلیسی‌دوری خواهد نمود.

۳- نتایج

بروز اختلاف در میان مذاهب آسمانی امری اجتناب‌ناپذیر است، اما با درایت اهل ایمان و پابندی به کلام رسولان آسمانی، پیروان هر مکتب ملزم به حفظ وحدت‌اند. از دیر باز منطقه خاورمیانه مطمع استثمارگران قرار گرفته و پس از شکست پیاپی از مسلمانان و مواجهه با تفکر شیعی در ایجاد تفرقه، خودباختگی، دین‌گریزی در بین مسلمانان و دخل و تصرف در آداب و اشاعه رسومات و خلط آن با خرافات و مادی‌گرایی و اقامه جنبش‌های اختلاف برانگیز کوشیده‌اند و در راستای تغییر چهره ناب شیعه به رایج نمودن و اشاعه رسومات نامعتبر و حرامی همچون قمه زنی، لطم و غیر آن دست زدند تا مسلمانان را به عنوان قومی بی تمدن، که احتیاج به قیم دارد به جهان معرفی نمایند تا زمینه استثمار خویش را موجه جلوه داده و مانع پیشرفت آنها در دیگر شئون اجتماعی شوند و در این راستا عده‌ای را آگاهانه و ناآگاهانه در ایجاد جنبش‌های عوام‌گرایانه در عصر حاضر اجیر نمودند تا با تغییر چهره ناب شیعه به اهداف خود نائل گردند. از آن جا که این جنبش‌ها در راستای اهداف استثمار حرکت می‌نمایند از آن به شیعه انگلیسی‌یاد می‌شود که در پی تحقق و تأکید و رونق بخشیدن به اختلافات شیعه و سنی هستند. در این راستا به امر قمه‌زنی، لطم و آسیب رساندن به بدن در عزاداری امام حسین و سب به خلفاء و گرفتن جشن عید الزهرا و دهه محسنیه پافشاری و تأکید دارند. تمام امور مذکور در شرع مقدس مذموم و در عصر کنونی که باعث اختلاف و تفرقه می‌گردد طبق نظر فقهای معاصر غیر جایز است. پیشنهاد می‌شود که با بررسی سیره پیامبر اعظم و اهل بیت ایشان، به کنکاش شیوه‌های رفتاری ایشان در ابعاد مختلف پرداخته شود. همچنین در راستای تنویر اذهان عموم به رصد، واکاوی و تبیین مصادیق رفتاری نوظهور شیعه انگلیسی‌پرداخته شود و با تمسک به قدرت نرم و اصول اعتقادی و رفتاری ناب شیعه به مقابله با این پدیده نوظهور اقدام شود و مسلمانان با الهام از آیات قرآن وحدت خود را حفظ کنند.

منابع

- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی (۱۳۸۴)، ترجمه کامل الزیارات، ذهنی تهرانی، محمدجواد، بی جا: پیام حق.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف: مرتضویه.
- امین، محسن (۱۴۰۳)، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- بادام چیان، اسدالله (۱۳۸۷)، روشنفکری و روشن اندیشی در ایران، تهران: اندیشه ناب.
- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (۲۰۰۴ م)، صحیح البخاری، تأمر، محمد محمد، قاهره: دار الافاق العربیه.
- پیتر و دلاواله، سفرنامه (۱۳۷۰)، شفا، شعاع الدین، بی جا: انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی پیتر و دلاواله.
- جمعی از محققین (۱۴۳۱)، أحسن العزاء، بی جا.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین.
- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: آل البيت لإحياء التراث.
- حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۸۹ ش)، اجوبه الإستفتاءات، تهران: پیام عدالت.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۳۹۰)، کیست فاطمه، قم: رشید.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۳۹۰)، کشتی بان هدایت، قم: سلسله.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۳۹۰)، شیعه و اتهامات ناروا، اسلامی، حسین، قم: یاس زهرا.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۳۸۴)، انوار حسینی، بی جا: رشید.
- حسینی شیرازی، صادق (بی تا)، رسانه و حمایت، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل بیت عصمت و طهارت.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۴۳۲)، درامتداد شعائر الهی، کربلا: ام اییها.
- حاجیانی دشتی، عباس (بی تا)، شهادت حضرت محسن، بی جا.
- ربانی خلخالی، علی (بی تا)، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم: مکتب الحسین.
- سازگار، غلامرضا (۱۴۳۲)، دستمال اشک، اصفهان: مجموعه مذهبی فرهنگی بیت العباس.
- سیدبن طاووس (۱۳۴۸ ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان.
- صدر، محمد باقر (بی تا)، تشیع یا اسلام راستین، مهدی پور، تهران: روزبه.
- صدوق، ابن بابویه (۱۴۲۶)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، الخصال، علی اکبر، بی جا: نشر اسلامی.
- صدوق، ابن بابویه (۱۳۶۲)، خصال، قم: جامعه مدرسین.

- صدوق، ابن بابویه (۱۴۰۳)، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۷)، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، محمدباقر، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن حفید (۱۳۸۵)، مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، نجف: حیدریه.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۶۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، العین، مخزولی، مهدی، سامرای، ابراهیم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیر علی ابن ابراهیم قمی قم: دار الکتب.
- قیم، عبد النبی (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر، تهران: فرهنگ معاصر.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، اصول کافی، تهران: دار الکتب اسلامی.
- کولمن، جان (۱۳۷۵)، کمیته ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی، شمس، یحیی، تهران: فاخته.
- مجلسی (بی تا)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، تهران: اسلامیه.
- مجلسی (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس، بی جا: شیعه شناسی.
- مسائلی، مهدی (بی تا)، قمه زنی سنت یا بدعت، بی جا: گلبن.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱)، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از کابینه قرارداد و ثوق الدوله تا آخر مجلس مؤسسان، تهران: زوار.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۷)، مروج الذهب و معادن الجواهر، پاینده، ابوالقاسم، تهران: علمی و فرهنگی.
- محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صاد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۷)، دفاع از تشیع، خوانساری، آقاجمال، قم: انتشارات مؤمنین.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، امالی المفید، قم: کنگره شیخ مفید.
- نامدار، مظفر (۱۳۷۶)، رهیافتی بر مبانی مکتبها و جنبشهای سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقاله‌ها:

- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۶)، «حدود جزع در عزاداری اهل بیت» فقه اهل بیت، شماره ۵۰.
- اکبر نژاد، محمد تقی (۱۳۸۵)، «قمه زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری» فقه اهل بیت، شماره ۴۸.

مؤسسات:

- بی نام، واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الأئمه (۱۳۸۷)، هیئت (فضیلت و آیین مجالس ذکر اهل بیت (ع) در بیان وسیره ائمه هدی، امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، قم: نشر معارف.

- بی نام، واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الأئمه (۱۳۸۷)، دست پنهان نگاهی به تاریخچه و بازتاب های قمه زنی در افکار عمومی و رسانه های بین المللی، قم: بوستان کتاب.

سایت ها

-WWW.MASHREGHNEWS.IR

قدرت نرم

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت